



امام خمینی(ره): شعار جدایی دین از سیاست حربه دشمنان اسلام است

شعار جدایی دین از سیاست، حربه اساسی دشمنان اسلام در زمان گذشته و حال بوده است؛ حربه ای که استعمار سعی کرد با توسل به آن به اهداف خود برسد. این مسأله ضربه زیادی بر اسلام و مسلمانان وارد کرده و امت مسلمان را به زوال کشانده است.

خبرگزاری مهر – شعار جدایی دین از سیاست، حربه اساسی دشمنان اسلام در زمان گذشته و حال بوده است؛ حربه ای که استعمار سعی کرد با توسل به آن به اهداف خود برسد. این مسأله ضربه زیادی بر اسلام و مسلمانان وارد کرده و امت مسلمان را به زوال کشانده است.

شعار جدایی دین از سیاست، حربه اساسی دشمنان اسلام در زمان گذشته و حال بوده است؛ حربه ای که استعمار سعی کرد با توسل به آن به اهداف پلید خود برسد. این مسأله ضربه زیادی بر اسلام و مسلمانان وارد کرده و امت مسلمان را به زوال و انحطاط رو به رو نموده است. در نتیجه جدایی دین از سیاست، اسلام بارها به مرز نابودی کشیده شده است. بعضی از اثرهای سوء آنرا به صورت چند نکته مهم و اساسی بیان می کنیم.

1- نابودی ملتها

دشمنان اسلام با حيله و ترفندهای مختلف مسلمانان را با انواع مشکلات و مسائل رو به رو کردند و آنها را به خواب غفلت و بی خبری فرو بردند؛ آنهایی را هم که نتوانستند با وسایل مادی از میدان و صحنه عمل خارج کنند آنها را با فریب تقدس و حرمت منزوی کردند و سپس به غارتگری در جوامع اسلامی و تسلط و غلبه بر آنها پرداختند.

امام خمینی(ره) در این باره می فرماید: «#چپاولگران حيله گر کوشش کردند به دست عمل به اصطلاح روشنفکر خود، اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده کردند و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده و با دست آنان ملتها را به استضعاف و استثمار کشانند و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده های دربند گردید.»(صحیفه امام، ج 18، ص 89)

2- محدود شدن فقه

دشمنان ما خیلی زرنگ هستند، آنها سعی می کردند که علمای شیعه را همچون رهبران مذهبی مسیحی به زنجیر بردگی و غلامی بکشند و یا اینکه آنها را در مشتش خود نگه دارند. به عبارت آنها تلاش می کردند که نفوذ علما را بی اثر و یا فعالیتهای آنها را با شکست مواجه کنند که در این راه تا حدی به موفقیتهایی دست یافتند.

چنانچه امام خمینی(ره) می فرماید: «#وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاها در منطق ناآگاه غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهرا فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید.»(همان، ج 21، ص 278)

3- غفلت از احکام سیاسی اسلام و به فراموشی سپردن آن

این یک امر کاملا مسلم است که تا زمانی که دایره فعالیت و میدان عمل محدود است، بسیاری از مسائل هم به فراموشی سپرده می شود و رفته رفته چنین به نظر می آید که در واقع چنین بابهایی در فقه وجود نداشته است و به مشکل می توان احکام آنرا قبول کرد؛ بنابراین توطئه ای خطرناکتر از این نمی توان تصور کرد.

امام خمینی(ره) با ذکر این موضوع می فرماید: «#تقریبا اکثر ابواب فقه کنار گذاشته شده بود عملا تو کتابها نوشته شده بود و کنار گذاشته شده بود و اکثر آيات قرآن هم کنار گذاشته شده بود. قرآن را می خواندیم و می بوسیدیم و می گذاشتیمش کنار. آیاتی که مربوط به جامعه بود، آیاتی که مربوط به سیاست بود، آیاتی که مربوط به جنگ بود، آیات زیادی که اکثر آیات مربوط به این مسائل است، اینها را منسی(فراموش)) کرده بودیم؛ یعنی ما را وارد کرده بودند که منسی باشد.»(همان، ج 15، ص 11)

4- رویه منفی سیاسی با عالم دین

امام خمینی(ره) می فرماید: «#مسأله جدا بودن دین از سیاست، مسأله ای که با کمال تزویر و خدعه طرح کردند، حتی بر ما هم متشبه کردند! حتی کلمه آخوند سیاسی یک کلمه فحش است در محیط ما! فلان آخوند سیاسی است.»(همان، ج 6، ص 41)

واضح است که امام خمینی(ره) درباره احیای مسائل دینی و حقایق مذهبی بیشتر از همه، علما را مخاطب قرار داده اند و این دو دلیل دارد: یکی اینکه دشمنان طریق علما موفق شده است به اسلام و مسلمانان ضربه بزند و دوم اینکه مسلمانان همیشه به حرف علما گوش فرامی دهند، اگر تمام علما در طول تاریخ توطئه های دشمنان را گوشزد می کردند و با آن به شدت مخالفت می کردند، یقینا

اوضاع مسلمانان بهتر از این وضع کنونی بود و همین مسأله حساسا و حیات بخش بود که امام خمینی(ره) روی آن تأکید می فرمودند.